

شاخص‌ها و چشم انداز دانشگاه مردم سالار در قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۴

دکتر سهراب مروتی؛ دانشیار دانشگاه ایلام

امیر فتاحی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

آمنه جوشن؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

دانشگاه به عنوان خالق نظام فکری هر جامعه، از جایگاه برجسته‌ای در نهادینه کردن هر تفکر و ایدئولوژی در جامعه برخوردار است. در حقیقت نخستین و اصلی‌ترین گام برای تعالی یک مکتب فکری، معماری مطلوب آن اندیشه و تفکر در دانشگاه است. به رغم تلاش‌های فراوان و شایسته در عرصه مردم سالاری دینی، هنوز به نحو مطلوب به نهادینه کردن این ایدئولوژی اسلامی در دانشگاه پرداخته نشده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است با تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم و همچنین روایات اهل بیت علیهم السلام و استنباط از این آموزه‌ها به نهادینه شدن این تفکر در دانشگاه پردازد. در این تحقیق به تبیین ویژگی‌های بارز دانشگاه مردم سالار و شاخص‌های چشم انداز دانشگاه مردم سالار پرداخته شده است. در این تحقیق، دانشگاه مردم سالار، نهادی با پنج مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، هویت دینی و کارآمدی برای جامعه، رضایت محوری و توانمندی علمی معرفی شده است و جهت نهادینه کردن نظام فکری مردم سالاری در جامعه به ترسیم چشم انداز دانشگاه مردم سالار پرداخته شده که بر این مبنا، برای چشم انداز مذکور شاخص‌های ارزشی دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی لحاظ شده است. کلیدواژه‌ها: دانشگاه مردم سالار، مردم سالاری دینی، قرآن و حدیث.

الف) بیان مسأله

نظریه مردم سالاری دینی اگرچه در آموزه‌های اسلامی و به ویژه اندیشه شیعی از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است، لیکن با اصطلاح و اسلوب امروزی وارد فرهنگ لغات سیاسی شده است. از آنجا که در کشورمان همانند همه کشورهای مشرق زمین، دانشگاه به مفهوم جدید، برمبنای سکولاریزم پایه گذاری شده است، به تبع، نظریه مردم سالاری نیز در بین برخی به اصطلاح روشنفکران، به صورت مفهومی غیر دینی و ناهمگون با آموزه‌های اسلامی متصور شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه به رغم اهمیت پرداختن این موضوع، تحقیقات توصیفی زیادی در این زمینه انجام نشده است. بلکه اغلب تحقیقات در این زمینه، به صورت کلی و گذرا سعی در تبیین دیدگاه‌ها داشته‌اند. از طرف دیگر، متأسفانه عدم پرداختن صحیح به این مسأله، نه تنها در بین روشنفکران مذکور و سطوحی از نظریه پردازان نیز تصور موضع بی تفاوتی دین نسبت به این امر مهم را به وجود آورده است، بلکه آسیب‌ها و آفات جبران ناپذیری برای شاکله نظریه مردم سالاری دینی به بار آورده است. این در حالی است که دین اسلام در برنامه هدایتی خود که از شاخص «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) برخوردار است و به تبیین مبانی و اصول این مهم پرداخته است. باید یادآور شد هم اکنون فضایی به وجود آمده است که برای نهادینه سازی ایدئولوژی مردم سالاری، قبل از هر تلاشی - اعم از گفتگوها و مباحثه‌ها و تعامل‌ها - بایستی این ایدئولوژی را در دانشگاه قوام بخشید؛ چرا که دانشگاه به عنوان خالق نظام فکری هر جامعه، از جایگاه برجسته‌ای در نهادینه کردن هر تفکر و ایدئولوژی در جامعه برخوردار است و در حقیقت نخستین و اصلی‌ترین گام برای تعالی یک مکتب فکری، معماری مطلوب آن اندیشه و تفکر در دانشگاه است؛ اما علیرغم تمام مطالب و مقالات عرضه شده در این باره، این امر هنوز آنقدر عمق نیافته است که بتوان این بحث را، حداقل در مقیاسی که روشنگر مسیر کلی این نظریه باشد، ارائه داد. لذا پژوهش حاضر با توجه به این نقش برجسته دانشگاه و همچنین در جهت تبیین دانشگاه مزین به این ایدئولوژی اسلامی، برآن شده است که

برپایه آموزه‌های دین اسلام، به تبیین و بررسی دانشگاه مردم سالار از حیث شاخص‌های بنیادین و مولفه‌های اسلامی آن و نیز ترسیم چشم انداز دستیابی به چنین نهادی بپردازد.

ب) ویژگی‌های بارز دانشگاه مردم سالار

بیان ویژگی‌ها و مولفه‌های دانشگاه مردم سالار می‌تواند تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری از این عنصر را نمایان سازد. در حقیقت اگر این مولفه‌ها با هم ترکیب شوند، شاید برآیند آنها را بتوان به تعریف اولیه دانشگاه مردم سالار تعبیر کرد. در ذیل بارزترین این ویژگی‌ها بیان می‌شود:

۱. هویت علمی و اصل آگاهی

اولین ویژگی دانشگاه مردم سالار این است که هویت علمی - به مفهومی که الان در دنیا مطرح است - را در خودش به عنوان یک صفت برجسته داشته باشد. اگر سخن از شاخص‌های دانشگاه مردم سالار در میان باشد، فصل علمی او در رأس شاخص‌ها قرار دارد. قرآن کریم، واماندگان از مسیر هویت علمی و دانش‌پژوهی را در ردیف چهارپایان قلمداد می‌کند ﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸)، انسان در امور جسمی و مادی، در ردیف دیگر موجودات است و اگر خود را به زیور علم و آگاهی که نشانه آن خشیت در مقابل پروردگار خویش است، آراسته نسازد، چه بسا در مقام و درجه هم در ردیف دیگر موجودات و حتی پایین‌تر از آنها قرار گیرد. از میان بندگان خدا تنها دانایان و عالمان هستند که از خدا می‌ترسند نه غیر آنها؛ زیرا این دانشمندان هستند که خدا را آن چنان که باید می‌شناسند و از احاطه علمی او کاملاً آگاهند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: مقصود از عالم، کسی است که رفتار و گفتارش یکی باشد و کسی که کردارش با گفتارش هماهنگ نباشد عالم نیست،^۱ پس علم باید سبب هشدارپذیری شود.

همچنین وقتی صحبت از هویت علمی دانشگاه می‌شود اصل آگاهی نیز مدنظر است. اگر عنصر اصلی مردم سالاری در دانشگاه برپایه معرفت و شناخت کافی نباشد، چنین دانشگاهی ضامن

تصمیم‌گیری مناسب بر مبنای شناخت صحیح برای مردم نیست؛ بنابراین قهرا چنین دانشگاهی مردم سالار نیست. دانشگاه آگاه در جهت تقویت روح پژوهش، تتبع و ابتکار در تمامی بسترهای علمی، فرهنگی و ملی و اسلامی گام برمی‌دارد؛ زیرا بدون ارتقاء آگاهی همگانی نیل به توسعه همه جانبه میسر نیست.

۲. جهت‌گیری اسلامی و هویت دینی

اگر دانشگاهی تولید علم کرد و پژوهش و تحقیق به معنای خاص خود در آن به حد اعلیٰ وجود داشت؛ اما دارای جهت‌گیری‌ای باشد که با مبانی اعتقادی اسلام همخوانی نداشت، پس فاقد این شاخص خواهد بود. دانشگاه به مفهوم جدیدی که بعد از رنسانس در دنیا مطرح شده و الان نیز مطرح است، علم‌گرایی به مفهوم علوم تجربی و انسان محوری به جای خدا محوری و سکولاریزم را پایه و مبانی اصلی خود قرار داده است. این دانشگاه با این ویژگیها به کشورهای مشرق زمین منتقل شده است؛ اما در دانشگاه مورد نظر ما، علم هست، پژوهش هست؛ اما خدامحوری نیز در آن مطرح است و اندیشه‌های الهی گرداننده این دانشگاه است و معنویت و انسانیت محوریت پیدا می‌کند.

این شاخص، زمینه ساز دستیابی به نظامی علمی - معرفتی را به وجود می‌آورد که مقوم مکتب مردم سالاری بر پایه معارف و جهان بینی دینی - اسلامی است. چنین نظامی مورد تأیید و تأکید اسلام عزیز است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ، دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، وَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ؛ اگر کسی برای خدا دانش بیاموزد و به دیگران تعلیم دهد و علم را برای خدا به مرحله عمل برساند، در ملکوت آسمانها بزرگ شمرده می‌شود.^۲ این حدیث پرمحتوا به روشنی معنای جهت‌گیری اسلامی علم و دانش، در دانشگاه را مشخص می‌نماید که علم آموزی در آن بر مبنای خدا محوریت و این از مهم‌ترین مبانی مردم سالاری دینی در دانشگاه است؛ خدامحوری در علم و

مردم محوری در عمل و خدمت. البته هیچگاه نباید تصور جدای از هم بودن این دو مبنا را در اندیشه داشت؛ چرا که در آن صورت حقیقت مردم سالاری در دانشگاه محقق نشده است. هویت دینی دانشگاه نیز تنها به معنای عرضه چند درس معارف اسلامی، حضور چند روحانی، برگزاری چند سمینار و کنفرانس درباره مسائل اسلامی و اخلاقی نیست، بلکه وجود و حضور فضای دین در دانشگاه و دانشگاهیان است که چون دانشجو در فضای آن قرار گرفت دینداری او عمق می‌یابد، متخلّق به اخلاق اسلامی می‌شود، تعصّب دینی و ملی در او تقویت می‌گردد، روحیه آزادگی در وی دمیده می‌شود، دانش سیاسی او ارتقاء و حس حرکت سیاسی وی برانگیخته می‌شود. نسبت به مسائل انسانی، ملی و بین‌المللی حساسیت پیدا می‌کند و ملخص کلام، فردی دردمند به تمام معنا و در کلیه ابعاد انسانی می‌شود و در یک کلام نتیجه آن می‌شود فردی با تفکر مردم سالار بر مبنای آموزه‌های اسلام عزیز.

۳. فایده مندی و در خدمت‌گزاری

اگر دانشگاه علم داشته باشد، اندیشه و جهت‌گیری مردم سالارانه هم به معنای عامش داشته باشد؛ ولی فاقد توانایی خدمت‌رسانی به جامعه باشد در حقیقت مردم سالار نیست؛ چون دانشگاه، مجموعه‌ای است که علوم روز مورد نیاز یک جامعه را تولید می‌کند و به زندگی دنیوی مردم خدمت می‌رساند. بر این مبنا، دانشگاه مردم سالار دانشگاهی است خدمت‌رسان که منشور ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مائده: ۲) را سر لوحه همه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. این اصل به عنوان یکی از برترین اعمال است (سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ)^۳ که وسیله تقرب به خداوند را فراهم می‌آورد (تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُوَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ)^۴ و در دانشگاه عنصری را پرورش می‌دهد که علم را برای نجات و هدایت خود و جامعه تولید و ترویج می‌کند و به تعبیر مولای متقیان: مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ

نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاغٌ اَتْبَاعٌ.^۵ مقام معظم رهبری نیز درباره ضرورت شاخص خدمت‌گزاری برای تحقق مردم‌سالاری می‌فرماید:

«در مردم‌سالاری دینی، فلسفه پیداکردن مسئولیت در کشور این است که مسئولان برای مردم کارکنند. مسئولان برای مردمند و خدمت‌گزار و امانتدار آنها هستند.»^۶ همچنین ایشان در این باره در جای دیگر فرمودند: «تکلیف و وظیفه مسئولان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است.»^۷ لذا اگر این مولفه بنیادین را از دانشگاه به عنوان یکی از مصادیق مسئول در این نظام بگیریم، دانشگاه جزیره‌ای جدای از جامعه و مردم می‌شود. اگر دانشگاه به جامعه خدمت نکند و خود را خادم مردم نداند، ممکن است خود را در نقطه مقابل مردم ببیند و به عنوان ابزاری برای سرکوب کردن مردم‌سالاری، ایفای نقش کند. ممکن است دانشگاه به عنوان مجموعه دانشگاهی سرکوب‌کننده نباشد؛ اما فکر دانشگاهی، فکر پرورش‌یافته در دانشگاه، به جای خدمت و کمک و همخوانی با جامعه، در نقطه مقابل و متضاد با جامعه قرار گیرد.

۴. رضایت محوری

در نظام اسلامی که مردم محوریت دارند رعایت رضایت مردم و برآوردن نیازهای آنان، از اساسی‌ترین شاخص‌های نظام محسوب می‌شود. در دانشگاه مردم‌سالار نیز که مردم به عنوان ولی نعمتان جامعه‌اند باید رضایت آنان همراه با رعایت حق و عدالت جزء اهم امور باشد و این امر با خدمت‌گزاری خالصانه مسئولان و دانشگاهیان محقق می‌شود. نتیجه توجه به این معیارها، رسیدن به اهداف درست بر اساس ظرفیتها و تحقق خشنودی و همراهی زیر مجموعه است. عدم پایبندی به معیارهای فوق، تحقق اهداف این دانشگاه را با مشکل مواجه می‌کند. حضرت علی علیه السلام در دستور خود به مالک اشتر می‌نویسد: «ولیکن احبّ الامور اوسطها فی الحق و اعْمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیه».^۸ یعنی: دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق

میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد. امام علی علیه السلام با بیان «اوسطها فی الحق»، مدیریت را به واقع بینی و رعایت امکانات موجود در جامعه [دانشگاهی مردم سالار]، فرا می‌خواند و می‌فرماید در جانبداری از حق، آنچه حتی الامکان به حق نزدیک‌تر است، مراعات کن. با این واقع‌گرایی است که امام علی علیه السلام در رعایت عدالت نیز مسلمانان را به در نظر گرفتن تمام ابعاد گوناگون آن فرا می‌خواند و در نهایت، جلب رضایت توده مردم و مدیریت شوندگان را ملاک تحقق درست حق و عدالت می‌داند.^۹

مقام معظم رهبری در مورد این شاخص می‌فرماید:

«در نظام مردم سالار دینی رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حلّ مشکلات آنان یک اصل مهم است».^{۱۰} بنابراین در دانشگاه مردم مدار، رضایت‌مداری از اهمّ امور خواهد بود و در چنین نظام مردمی برای رضایت عمومی تلاش می‌شود.

۵. توانمندی پژوهشی

البته در دل این بحث و این مشخصه، توانمندی‌های علمی و پژوهشی دانشگاه، به روز بودنش در ارتباط با دنیا و دانش‌های روزافزون بشری وجود دارد. فرق است بین مجموعه‌ای که عده‌ای در آن درس می‌خوانند؛ اما توان برجسته در زمینه تولید علم نداشته باشند، با مجموعه‌ای که در آن علمی تدریس می‌شود و در ضمن تدریس، تولید و در ضمن تولید، تحقیق می‌شود. لذا توانمندی علمی دانشگاه، متفاوت از دادوستد متداول دانش‌نظری و کاربردی مصطلح است. دانشگاهی دارای توانمندی علمی است که خود زاینده دانش باشد و در مقوله‌های مختلف علمی صاحب‌نظر باشد. البته بر مبنای آموزه‌های اسلامی که از مسلمانان می‌خواهد به عیارسنجی و نقد نظریات ارائه شده بپردازند (کُونُوا تَقَادَ الْكَلَامِ)^{۱۱} در دانشگاه اسلامی به عنوان مهد علم و دانش، لازم است روح نظریه‌پردازی حاکم باشد و هم در برابر نظریه‌های عرضه شده قدرت احتجاج داشته باشد. که اینها کاملاً با مفهوم دانشگاه، پیوسته و درگیر هستند. این چنین دانشگاهی از نظر

علمی مستقل است. اگر دانشگاهی این ویژگی را نداشته باشد، دانشگاهی وابسته است و دانشگاهی مردم سالار نیست. به عبارت دیگر، دانشگاه وابسته نمی‌تواند مردم سالار باشد.

ج) شاخص‌های بارز چشم انداز دانشگاه مردم سالار:

چشم انداز ترسیم شده از شاخص‌های ذیل برخوردار است:

۱. دانایی

همانطور که از معنای لفظ دانشگاه برمی‌آید دانشگاه محلّ دانش است که دانایی نیز از آن نشأت می‌گیرد. دانایی از مهم‌ترین و مؤثرترین سلاح انسان‌ها، برای خوب زندگی کردن است. گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای تواناسازی هرچه بیشتر انسان‌ها، نهاد دانشگاه را از شاخص‌ترین نهادهایی نمایان ساخته است که این مهم را برعهده دارد.^{۱۲} دانایی و دانا بودن در دین اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اگرچه در آموزه‌های دین مبین اسلام، بخصوص در فرهنگ لغات قرآن و حدیث، واژه‌ای معادل و قابل ترجمه دقیق به معنای دانایی نمی‌یابیم؛ اما واژه‌هایی یافت می‌شود که مفهوم صحیح و حقیقی دانایی را در خود دارند؛ واژگانی همچون: علیم، بصیر، اولوالالباب، خبیر و حکیم، نه تنها گویای مفهوم دانایی هستند، بلکه شامل رسایی، عمق و محتوای بیشتری نیز هستند. تا جایی که می‌توان ادعا کرد دانایی به معنی واقعی کلمه از ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی است. درآموزه‌های حیات بخش اسلام، دانایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که خداوند منشأ و خالق این ارزش اسلامی است. این مفهوم از آیاتی همچون ﴿أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۳۱) و ﴿إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ (انعام: ۸۳) قابل برداشت است. در جایی دیگر از قرآن نیز آمده: ﴿... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۹)، علم در این آیه و آیات دیگر قرآن به معنی اصطلاحات یا روابط مادی در میان اشیاء و به اصطلاح "علوم رسمی" نیست، بلکه منظور از آن معرفت و آگاهی خاصی است که انسان را به اطاعت پروردگار و ترس از دادگاه او و امید به

رحمت خدا دعوت می‌کند، این است حقیقت علم و علوم رسمی که نتیجه تحقیق و پژوهش دانشگاهیان است، نیز اگر در خدمت چنین معرفتی باشد علم است و مایه سعادت انسانها و راز بقای جوامع و تمدن بشری است و اگر مایه غرور و غفلت و ظلم و فساد در ارض شود و هدف نهایی‌اش تنها وصول به مادیات باشد و در ماورای آن هدفی والاتر تعقیب نکند بنا به فرموده قرآن کریم: ﴿ذَلِكَ مِثْلُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى﴾ (نجم: ۳۰)، علم نیست؛ بلکه ضلالت و گمراهی است و اتفاقاً تمام بدبختی‌هایی که در دنیای امروز وجود دارد، تمام جنگها و خونریزیها، ظلمها و تجاوزها، فسادها و آلودگیها، از همین علوم ضلالت آفرین سرچشمه می‌گیرد.

بر خلاف کسانی که مذهب را عامل تخدیر می‌شمرند، مهمترین دعوت انبیا به سوی علم و دانش بوده است و بیگانگی خود را با جهل در همه جا اعلام کرده‌اند، تعبیراتی در روایات اسلامی دیده می‌شود که بالاتر از آن در اهمیت علم تصور نمی‌شود.

در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام می‌خوانیم: «لا خیر فی العیش الا لرجلین عالم مطاع او مستمع واع: زندگی جز برای دو کس فایده ندارد: دانشمندی که نظرات او اجرا گردد و دانش طلبانی که گوش به سخن دانشمندی دهند».^{۱۳}

در کلام حضرت علی علیه السلام، دانایی تا این اندازه ارزشمند است که ارزش هر کس به مقدار دانایی‌اش معرفی شده است،^{۱۴} و ترک و وانهادن آن، معادل با هلاکت امت و جامعه (هلاک رجال امتی فی ترک العلم)،^{۱۵} و تا آن زمان که دانایی مبنا و محور باشد مایه حیات و بقا خواهد بود (اكتسبوا العلم یکسبکم الحیاة).^{۱۶} در دیدگاه امام علی علیه السلام یکی از حقوقی که مردم بر عهده حکومت مردم سالار دارند، آموزش مردم و از همه مهم‌تر پرورش مردم است، لذا می‌فرمایند: «تَعْلِمُكُمْ کَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ کَيْمًا تَعْلَمُوا»،^{۱۷} این دو امر بسیار اهمیت دارند، در جمله اول تعلیم و آموزش و دانایی، انگیزه نابودی جهل و نادانی است؛ اما تأدیب و پرورش انسان‌ها با فضایل انسانی، تا آگاهی‌شان بالا بگیرد و رشد یابند مهم‌تر است، چرا که علم و سواد،

نیمی از شخصیت آدمی را تشکیل می‌دهد و نیم دیگر آن غرایز و امیال است که تربیت آنها در حد اعتدال و ارتقای میل به فضیلت، هنر آدمی را نشان می‌دهد.

لذا با در نظر داشتن جایگاه دانایی در نظام ارزشی اسلام و رابطه آن با علم و دانش، لازم و ضروری است اولین شاخص چشم انداز دانشگاه مردم سالار نیز با الهام از نظام تعلیم و تربیت اسلام، در مسیر اجرای رسالت خویش، در تمامی ابعاد و ارکان، مزین به ارزش والای دانایی باشد و برای تحقق آرمان حاکم شدن روح مردم سالاری، نه تنها باید عملکردش مبتنی بر دانایی باشد، بلکه باید خود به عنوان بهترین الگو و سرچشمه دانایی، با خلق فرهنگ خرد جمعی، جریان مستحکمی از دانش و حکمت مبتنی و معتقد به روح مردم سالاری را در جامعه پدید آورد. در غیر این صورت چنانچه این نهاد مبتنی بر دانایی نباشد هیچگاه نخواهد توانست رسالت حقیقی خویش را ایفا کند. از این رو شاخص دانایی محوری، به عنوان مهم‌ترین شاخص چشم انداز دانشگاه مزین به ارزش‌های مردم سالارانه به شمار می‌آید و برای محقق شدن این مهم لازم است موجباتی فراهم آید تا این مولفه متعالی، در دانشگاه محقق شود. اما برآستی چه راهبردی تحقق این شاخص را از چشم انداز دانشگاه میسر می‌نماید؟ و با بیانی روشن‌تر، مهم‌ترین اقدام برای دستیابی و ایجاد فرهنگ فرزاندگی و دانایی در دانشگاه کدام است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به آموزه‌های حیات بخش اسلام - که رسالت خود را هدایت بشر می‌داند - رجوع کرد. این مهم در کلامی گهربار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل برداشت است. آنجا که ایشان در مقام توصیه، تمسک به قرآن و شناخت آن را به عنوان راه دستیابی به فرزاندگی، حکمت و دانایی بیان کردند. ایشان در این باره می‌فرمایند: قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن حکمت و فرزاندگی است و باطن آن علم و دانایی، ظاهر آن نیکو و شگفت‌انگیز است و باطن آن ژرف. مرزها و ظواهری دارد که هر یک را مرزهایی است. عجایب آن از شماره بیرون است و شگفتی‌های آن کهنه نمی‌شود. در آن چراغ راهنمایی و منزلگاه‌های فرزاندگی و دلالت بر نیکویی برای کسی است که آن را بشناسد (لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ

بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَعَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَمَنَارُ الْحِكْمَةِ وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ.^{۱۸} این کلام دلالت بر این دارد که قرآن کریم دربردارنده مفاهیم ارزشمندی است که شناخت این مفاهیم و آموزه-های الهی، راه دستیابی به دانایی، علم و حکمت خواهد بود. همین مضمون نیز در قرآن کریم مورد تاکید واقع شده است و یکی از مهم‌ترین محورهای خود را معرفت بخشی و ایجاد شناخت برای دانیان و صاحبان اندیشه معرفی می‌نماید ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)؛ ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ابراهیم: ۵۲)، و نیز همین معنا از آیه شریفه ۴۹ سوره عنکبوت قابل برداشت است. همچنین در سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره: ۱۲۹). و معلوم است که در عالم تحقق و خارج، اول علم پیدا می‌شود، بعد تزکیه، چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق تحقق می‌یابد، پس اول باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آنها عمل کرد تا به تدریج زکات (پاکی دل) هم به دست آید.^{۱۹}

اصلاحات جوامع انسانی از قلم‌های مؤمن و متعهد شروع می‌شود و فساد و تباهی اجتماعات نیز از قلم‌های مسموم و فاسد مایه می‌گیرد. بی جهت نیست که قرآن مجید سوگند به قلم و آنچه با قلم می‌نویسند یاد کرده، یعنی هم به "ابزار" و هم به "محصول" آن ابزار، آنجا که می‌فرماید: ﴿بِالنِّقَمِ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم: ۱). امروز می‌دانیم که تمام تمدنها و علوم و دانشها و پیشرفتهایی که در هر زمینه نصیب بشر شده بر محور قلم دور می‌زند و اصولاً سرنوشت اجتماعات انسانی در درجه اول به نیش قلم‌ها بسته است.

لذا با در نظر داشتن و تأمل در این آموزه‌های حیات بخش، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین راهبرد محقق شدن شاخص دانایی در دانشگاه، انس، تدبّر و شناخت مفاهیم قرآن کریم است؛ چرا که تدبّر در آموزه‌ها و مفاهیم والای قرآن کریم زمینه‌هایی فراهم می‌آورد که مسیر کسب دانایی را هموار خواهد کرد و زمینه‌هایی همچون: تبعیّت و پیروی از دانیان (مریم: ۴۳)، تعلّم (کهف: ۶۶)،

تفکر (انعام: ۵۰)، ایمان به خداوند (نمل: ۸۰-۸۱؛ روم: ۵۲-۵۳)، آخرت اندیشی (ص: ۴۵-۴۶)، رشد (یوسف: ۲۲؛ قصص: ۱۴)، تقوا (بقره: ۲۸۲)، ترکیه و خودسازی نفس (واقعه: ۷۹)، از اهم ارزش‌هایی است که با فراهم آوردن این زمینه‌ها در دانشگاه، مسیر و خط دستیابی به دانایی هموار خواهد شد. البته باید یادآور شد همچنان که در جریان دستیابی به شاخص دانایی، فراهم آوردن تمامی زمینه‌های مزبور لازم و ضروری است، فقدان هر یک از زمینه‌ها، چالش و آفتی در مسیر تحقق این شاخص در دانشگاه مردم سالار را در پی خواهد داشت.

اما تحقق شاخص دانایی در دانشگاه چه ثمره‌ای خواهد داشت؟ با توجه به اینکه قرآن کریم ثمره دانایی را اینگونه بیان می‌دارد که دانایی و حکمت، شناخت و ایمان حقیقی به خداوند را به ارمغان می‌آورد ﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا﴾ (اسرا: ۱۰۷) لذا تحقق این مفهوم ارزشی در دانشگاه، روح ایمان حقیقی را در دانشگاه و جامعه حاکم خواهد کرد. در حقیقت دانایی در درجه نخست اعتقاد همراه با شناخت و ایمان بر مبنای اندیشه و بصیرت را به ارمغان می‌آورد و ثمره دانایی هم چیزی جز ایمان حقیقی نیست. همچنین از دیگر آثار پر برکت تحقق این شاخص، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است. دانشگاه مردم سالار دینی به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاصی نیست، بلکه عجین ساختن دانش اندوزی با آداب معنوی و ارزش‌های دینی و انسانی در جامعه علمی است و به معنای مبارزه با انحرافات جامعه علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به عناصر بدون احساس عاطفی و تعهد دینی و دمیدن روح استقلال در جامعه علمی کشور است. بینش و زیر بنای یک دانشگاه مردم سالار دینی، اصالت دادن هر چه بیشتر به انسان‌ها و به کلام واضح‌تر؛ فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت آنهاست که یکی از اقدامات برای رسیدن به این هدف، آگاه ساختن افراد به رسالت و وظایف خود است. از دیگر آثار تحقق این شاخص می‌توان به هدایت یافتگی (مریم: ۴۳) و پذیرش حق و حق‌گرایی (حشر: ۲) اشاره کرد.

همچنین پاسخ به شبهات از دیگر آثار آن است. به طوری که اگر دانشگاه مردم سالار دینی خود را به زیور دانایی آراسته کرده باشد، می‌تواند به پرسش‌های مردم پاسخ مناسب دهد، بدین گونه که اگر در ذهن مردم سوال ایجاد شد بتواند به خوبی پاسخ دهد. همانطور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»،^{۲۰} تا در مرحله آغازین پاسخ قانع کننده بیابند و به مرحله بعدی کشیده نشود. اگر سوال بی‌پاسخ ماند، انتقاد می‌کنند که در این مرحله باید مردم را قانع و شبهه را برطرف نمود و اگر انتقاد نادیده گرفته شود، مردم اعتراض می‌کنند و اگر آن هم بی‌پاسخ بماند، آشوب، انقلاب و دگرگونی اجتماعی رخ می‌دهد.

بهره‌وری از نعمت‌ها و توانایی (نجم: ۵) نیز از دیگر آثار تحقق شاخص مذکور است.

البته از دیدگاه کلام وحی، علل و عواملی مانع تحقق این شاخص از چشم انداز دانشگاه هستند که از جمله آنها می‌توان به موانعی همچون: ناآگاهی و اندیشه جاهلانه (روم: ۵۹)، تعجیل و شتاب زدگی در داوری (اسرا: ۱۱)، موضع‌گیری نادرست در برابر اندیشه‌های نو (مومنون: ۶۸)، اسطوره‌گرایی (انعام: ۲۵)، حق ستیزی و لجاجت در پذیرش امور (انعام: ۲۵)، تعصب و وفاداری به آرای پیشینیان (لقمان: ۲۱)، دروغ پردازی (جاثیه: ۷-۸)، گناه پیشگی (اعراف: ۱۰۰) و توجه و علاقه به مادیات (ال عمران: ۱۴) اشاره کرد.

۲. توانایی

در این مبحث منظور از توانایی دانشگاه، تقویت و ارتقای سطح تجربه و دستیابی به قوه خلاقیت و ابتکار در ساختن و فراهم آوردن امکانات مادی در جهت رشد دانشگاه و جامعه است. اصولاً فلسفه استقرار دانشگاه‌ها نیز برای همین است که انسان بتواند از مواهب و امکانات بی‌حد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن بهره‌برداری نماید. چنانکه می‌بینیم و می‌دانیم مللی که زودتر به این حقیقت پی برده‌اند و دانشگاه‌های مجهز مهیا کرده‌اند چگونه از مزایای آن مستفیض می‌شوند و چگونه در پشت دیوار

مستحکم شده دانشگاه‌های خود، سیادت و برتری خود را تأمین و تحمیل می‌کنند.^{۲۱} در مقام تبیین ضرورت شاخص توانایی و توانمندی برای نهادی که رسالت الهی را برعهده دارد، یادآور می‌شویم که قرآن کریم صفت توانایی را از صفات خداوند معرفی می‌نماید ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۲۰)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید: ۲۵) و پس از مفهوم ارزشمند دانایی، توانایی و توانمندی را به عنوان ملاک و معیار شایستگی معرفی می‌نماید. این مفهوم از آیه ۲۴۷ بقره قابل برداشت است؛ آنجا که خداوند کریم دو صفت دانایی و توانایی حضرت داوود علیه السلام را عامل شایستگی و برگزیدن ایشان بر مردم قومش معرفی می‌نماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ (بقره: ۲۴۷). در آیه مذکور خداوند کریم شایسته بودن حضرت داوود علیه السلام را بخاطر وجود دو صفت دانایی و توانایی ایشان معرفی می‌نماید. آیه شریفه دلالت بر این مطلب دارد که کمالات قدرت علمی و توانایی، باعث برگزیدن شدن و اصطفا‌ی حضرت داوود علیه السلام بر سایرین است و خداوند این صفات را به عنوان ملاک برتری و شایسته بودن ایشان نسبت به سایرین معرفی می‌نماید.^{۲۲} با در نظر داشتن اهمیت و جایگاه ویژه توانایی در اسلام، این مولفه به عنوان دومین شاخص از چشم انداز دانشگاه مردم سالار، هدفی مهم و ضروری است. همچنین آیه شریفه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰)، بیان می‌کند که در انتظار نمایند تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید. در جمله کوتاه فوق یک اصل اساسی در زمینه جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان و مجد و عظمت و افتخارات آنان بیان شده است و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند. کلمه "قوة" که کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. بنابراین علاوه بر اینکه باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان - به عنوان یک وظیفه قطعی اسلامی - بهره‌گیری کرد، باید به

تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه و نیروی مهمتری است پرداخت.^{۲۳} سپس قرآن به دنبال این دستور، در ادامه آیه، به هدف منطقی و انسانی این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: ﴿تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾، هدف این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود و آبادیها و زمین‌ها را با انواع سلاح‌های مخرب و ویرانگر، به ویرانی بکشانید و یا سرزمینها و اموال دیگران را تصاحب و اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که با این وسائل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.

این آیه به عنوان منشور لزوم فراهم آوردن قدرت و توانایی همه جانبه، ضرورت شاخص چشم انداز دانشگاه را برای ما بیان می‌دارد. در این شاخص چشم انداز، هدف تخلیق دانشگاه به صفت‌های خداوند - قدرت و آفرینش - است و در مسیر دستیابی به این هدف و آلا، خدا محوری، مبنا و اصل احراز این هدف مقرر شده است؛ چرا که خداوند مقتدر و توانا، منشأ حقیقی اعطای توانایی و توانمندی است؛ ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ (هود: ۶۶).

در حقیقت این شاخص، نتیجه ترکیب دانایی و تعاون خواهد بود. اگر در دانشگاه دو عامل دانایی و تعاون به درستی با یکدیگر ترکیب شوند، نتیجه مسلم و منطقی آن توانایی خواهد بود که در برابر آن، بسیاری از چالش‌ها و نگرانی‌های موجود که ناشی از ضعف و ناتوانی دانشگاه و جامعه علمی است، کم‌رنگ خواهد شد. این شاخص، ضامن و زمینه ساز اقتدار، بالندگی، رشد مادی و معنوی جامعه مردم سالار است. البته در مسیر تحقق این شاخص از چشم انداز باید یاد آور شد روش‌های تحقق این شاخص بسیار مهم و با اهمیت هستند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«روشهایی که برای کسب قدرت و توانایی و همچنین حفظ آن به کار گرفته می‌شود باید روش‌های اخلاق باشد. در اسلام کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد، لذا روش‌ها خیلی مهمند».^{۲۴} بنابراین لازم است راهبردهای توانایی دانشگاه از دیدگاه آموزه‌های اسلامی را دریابیم و با اعمال این راهبردها به این ارزش الهی دست یابیم. با مدنظر قرار دادن آموزه‌های دین مبین

اسلام بخصوص آیات قرآن کریم می‌توان اولین راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه را تولید و ترویج علم و دانش بیان کرد. قرآن کریم گویای این مهم است که علم و دانش عامل اصلی توانایی و قدرت است. چنانچه این پیام از آیه ۴۰ سوره نمل، برداشت می‌شود. این سوره به طرح داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا می‌پردازد و بیان می‌دارد وقتی حضرت سلیمان از سایرین درخواست می‌کند چه کسی قادر است تخت ملکه سبا را برایم بیاورد؟ قرآن کریم درباره این عمل خارق العاده می‌فرماید: (اما) کسی که دانشی از کتاب داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾. آیه مذکور به این مهم اشاره دارد که حتی بهره‌مندی بخشی از علم، توانایی و توانمندی قابل ملاحظه‌ای در دارنده آن به وجود می‌آورد تا جایی که با استفاده از نیروی خود در طرفه‌العینی عمل خارق العاده‌ای انجام می‌دهد.^{۲۵} بر این اساس علم و دانش را می‌توان مهم-ترین زمینه دستیابی به توانایی به شمار آورد و اساساً می‌بینیم که درآموزه‌های اسلامی علم و توانایی به عنوان دو مولفه توأم با هم معرفی شده‌اند. به این معنا که علم همراه با قدرت است و قدرت همراه با علم و اصلاً می‌توان ادعا کرد که علم و قدرت عین یکدیگرند؛ علم عین قدرت است و قدرت عین علم. از دیدگاه قرآن کریم هر دو به شکل واحد موجود هستند ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾ (النجم: ۵). از این رو است که هر کس، هر اندازه سهم و بهره بیشتری از علم داشته باشد، قانون جهان را بهتر می‌داند و به تبع بر قدرتش نیز افزوده می‌شود.

البته منظور از علمی که در این جریان می‌تواند کارآمد واقع شود و نتیجه آن توانایی دانشگاه و جامعه باشد، علم نافع و مفید است و چه بسا تنها علوم کاربردی و نفع رسان را می‌توان علم حقیقی و ارزشمند به حساب آورد. مبنای این ادعا آموزه‌های اسلامی است که در این باره از مولای متقیان در کلام گهربارشان آمده است: بدان، علمی که در آن نفع و فایده‌ای نباشد، خیر نیست و تعلّم علمی که در آن انتفاع برده نشود، سزاوار نیست «واعلم أنّه لا خیر فی علم لا ینفع و لا ینتفع بعلم لا یحقّ تعلمه».^{۲۶} بر این اساس در دانشگاه مردم سالار که رکن فرهنگ و علم

آفرین جامعه است و در اطوار و شئون مختلف جامعه صاحب نقش و نفوذ است و بسیاری از تحولات را رقم می‌زند یا سمت و سوی این تحولات را تعیین می‌کند، تولید و ترویج علم و دانش نافع و انجام تحقیقات محض و کاربردی، سپس کاربردی کردن این علوم در جهت یاری به توسعه کشور و رشد انسانی، از اهم مسائل آن به شمار می‌رود. با تکیه بر این محور و خروج از فضای سنتی علم برای علم و ورود به فضای علم برای کار و عمل، از قالب‌های نظری بیرون می‌آید و به سمت و سوی قواعد کاربردی گام برمی‌دارد و می‌تواند با به خدمت گرفتن جهان در شکل مؤثرتری ظاهر شود و از این رهگذر خالق رفاه و آسایش برای جامعه باشد.

از عواملی که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی زمینه دستیابی به توانایی را فراهم می‌آورد، اتحاد و همبستگی است. اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدّد قرآن کریم به آن فرمان داده است: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال: ۴۶): و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید. و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود. آیه شریفه، مسلمانان را به اتحاد فرا می‌خواند و از پراکندگی برحذر می‌دارد چراکه تفرقه و نزاع به اختلاف و سستی می‌انجامد و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوّت است. همین مضمون نیز از آیه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (ال عمران: ۱۰۳) برداشت می‌شود. از آنجا که دانشگاه، نهادی است که در بطن جامعه قرار دارد و در شرایط گوناگون نقش کانونی در جامعه ایفا می‌کند لازم است این اصل مهم را سرلوحه خود قرار دهد و خود به عنوان محور وحدت در جامعه، همگان را به رعایت این اصل مهم سوق دهد. وحدت کلمه در این نهاد، نیرومندی دانشگاه و به تبع آن، وحدت و عزّت جامعه را در پی خواهد داشت و در نقطه مقابل، پراکندگی و تفرقه در این رکن حیاتی جامعه، شوکت و نیروی دانشگاه و جامعه را از بین خواهد برد. در حقیقت رعایت این اصل مهم، ضمانت بخش توانایی دانشگاه است و در خلاف، وانهادن آن مانعی در مقابل توانایی این نهاد.

آثار توانمندی دانشگاه

پس از بیان عوامل دستیابی به توانایی شایسته است آثار نیرومندی دانشگاه نیز ذکر شود در این نوشتار به سبب حفظ اختصار کلام، به صورت گذرا به آن اشاره می‌شود. از مهم‌ترین آثار توانمندی دانشگاه می‌توان به بهره‌گیری از مواهب و امکانات بی‌حد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن اشاره کرد. این روند با تکیه بر تولید علم نافع و کاربردی کردن علوم محقق خواهد شد که در مباحث قبل به آن اشاره شده است. نتیجه دیگری که از قدرتمندی دانشگاه به دست می‌آید حفظ و حراست از حقوق جامعه است (ال عمران: ۷۵). همچنین توانایی این نهاد نقش به‌سزایی در اجرا و تحقق عدالت دارد. این مهم نیز از آیه ۲۵ سوره حدید قابل برداشت است. محبوبیت (بقره: ۱۶۵)، حفظ و صیانت از تعالیم و آموزه‌های دینی (بقره: ۶۳؛ اعراف: ۱۴۵) نیز از دیگر دستاوردهای دانشگاه توانا و توانمند به شمار می‌رود، البته آثار و دستاوردهای قدرتمندی دانشگاه تنها در موارد مذکور خلاصه نمی‌شود، بلکه موارد مذکور از اهم آثار است که در این نوشتار به آن اشاره شده است و سایر آثار تحقق این مهم، با تدبیر در آموزه‌های اسلامی قابل برداشت است.

۴۶

حج

سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار ۱۳۹۲

۳. نیکویی

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم، مورد توجه و عنایت فراوان قرار گرفته و به آن سفارش شده است انجام نیکویی و نیکویی است. درباره اهمیت و ارزش این مفهوم در بین دانشگاه و دانشگاهیان، همین بس که قرآن کریم به طور مکرر مخاطبان خود را به آراسته شدن به این ارزش ترغیب و تشویق می‌کند و همگان را به اجرای این ارزش فرمان می‌دهد ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰).

خداوند کسانی که به صفت نیکویی زیننده شده‌اند را ستایش می‌کند و آنان را محسن و محبوب خداوند معرفی می‌نماید و به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

وَحُسْنُ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۴۸﴾ (ال عمران: ۱۴۸). با در نظر داشتن این مفاهیم و نیز از این رهگذر که خداوند سبحان، خود منشأ و خالق حقیقی نیکویی است و دوست می‌دارد عالمیان نیک و شایستگی را نصب العین خود قرار دهند و نیکوکار باشند «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فُطُوبَى لِمَنْ أُجْرِيَتْ عَلَيَّ يَدَيْهِ الْخَيْرُ»^{۲۷} دانشگاه مردم سالار نیز به عنوان نهادی که رسالت تبلور آموزه‌های اسلامی را در جامعه بر عهده دارد لازم است خود را به نیک و نیکویی آراسته نماید. در مقام روشن شدن ماهیت این شاخص از چشم انداز دانشگاه می‌توان گفت نیکویی دانشگاه مردم سالار به این معناست که دانشگاه نیکو، طالب و خواهان همه خوبی‌ها و فضائل برای خود و جامعه است و به واسطه فطری بودن زیبایی نیکویی، این شاخص در حقیقت شاکله زیبایی عقلی و خیررسانی دانشگاه را به تصویر می‌کشد. دوری از همه خصلت‌های ناپسند و آراسته شدن به خوبی‌ها در کنار اصل خیررسانی و بخشندگی باید سرلوحه فعالیت‌های این نهاد باشد لذا در این شاخص از چشم انداز محوریت با ارزش‌هایی است که دانشگاه برای خدمت به مردم و مردم‌داری، به ارزش‌های اسلامی زینده می‌شود. امام علی علیه السلام در مورد ارزش احسان به مردم، به محمد بن الحنفیه می‌فرماید: «بدان که کمال عقل و خرد بعد از ایمان به خداوند متعال محبت و احسان به مردم است. آن کسی که با مردم به نیک و معاشرت نکند در او خیر و انسانیت نیست»^{۲۸} در سوره مائده خداوند در مورد همکاری در نیک و احسان می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده: ۲). در این آیه آنچه درباره تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد، طبق این اصل، مسلمانان موظفند در کارهای نیک همکاری کنند؛ ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی (علی‌الخصوص در بین دانشگاه و دانشگاهیان)، زنده شود و بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام بر

می‌دارند همکاری کنند و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعددی در هر گروه و طبقه‌ای که باشند، خودداری نمایند، بسیاری از نابسامانیهای اجتماعی سامان می‌یابد.^{۲۹}

پس از تبیین جایگاه و اهمیت این بعد از دانشگاه دو سوال مطرح می‌شود: اول اینکه چه علل و عواملی سبب پیدایش این صفت عالی در دانشگاه می‌شود؟ و دوم، زیننده شدن دانشگاه به این صفت چه آثار و برکاتی را به ارمغان می‌آورد؟

در پاسخ سوال اول، قرآن کریم دو عامل مهم را به عنوان زمینه دست‌یابی به نیکویی معرفی می‌نماید؛ عامل اول، ایمان حقیقی به خداوند منان است. به عبارت دیگر ریشه و منشأ اصلی پیدایش نیکویی را می‌توان در ایمان به خداوند دانست. چرا که روح ایمان و باور به رضایت و پاداش خداوند است که ضرورت نیکو شدن را در یک عنصر ایجاب می‌کند. از این روست که انگیزه دوری از ناپسندها و بدی‌ها و تلاش برای خیررسانی و احسان به وجود می‌آید ﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (صافات: ۸۰ و ۸۱). بنابراین تقویت روحیه ایمان در ابعاد و ارکان دانشگاه به طور مستقیم در نیکو شدن دانشگاه موثر است و با تقویت روحیه ایمان است که حقیقت و روح نیکویی به معنای واقعی کلمه در دانشگاه متبلور خواهد شد. در این صورت است که نه تنها نهادی نیکو در متن و بطن جامعه خواهیم داشت، بلکه این نهاد ترویج دهنده روحیه نیکویی و نیکو بودن در جامعه خواهد بود. همچنین دومین عامل در پیدایش و تقویت این ارزش در دانشگاه می‌توان تقویت روحیه عبودیت و بندگی خدا نام برد. چه اینکه بیان کردیم که ایمان به خدا سبب رضایت و خشنودی خداوند می‌شود و این هدف نیز جز از مسیر بنده خدا بودن و خیررسانی و احسان محقق نخواهد نشد، که این مفهوم از آیه شریفه «۸۱ و ۸۰ سوره صافات» اخذ می‌شود.

در جواب سوال دوم نیز با در نظر گرفتن تصویر ارزش و جایگاه این مفهوم در نظام فکری و ارزشی اسلام، آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آخرتی و... را در حوزه آموزه‌های قرآنی و روایی بیان می‌دارد. می‌توان اولین اثر آراسته شدن به نیکویی را محبوبیت دانست. نیکی

به جهت برانگیختن احساس خوشی و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که هم موجب رضایت و محبوبیت نزد خداوند می‌شود ﴿أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مائده: ۹۳) و هم به سبب اینکه این ارزش مطابق فطرت گرایش به زیبایی‌ها و تحسین است و از لحاظ زیباشناختی روح لطیف آدمی را به خود جلب و جذب می‌کند، مورد تحسین عموم مردمان قرار می‌گیرد و اقبال و استقبال بیشتر اهل علم و جامعه را نسبت به این نهاد به ارمغان می‌آورد. همچنین از دیگر آثار آراسته شدن دانشگاه به این ارزش می‌توان به ارتقاء منزلت و جایگاه دانشگاه در جامعه اشاره کرد. عنصری که نیک بودن را در سرلوحه ارزش‌های متعالی خویش قرار دهد و خود را نیکو گرداند در حقیقت در گام نخستین منزلت و جایگاه خود را ارتقاء می‌دهد چه اینکه به بیان قرآن کریم نیکو بودن حضرت یوسف علیه السلام را سبب اعطای قدرت و منزلت اجتماعی به ایشان معرفی می‌نماید ﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (یوسف: ۵۶). و نیز از دیگر آثار بابرکت متخلق شدن به این ارزش می‌توان به هدایت ویژه و هدایت پذیری اشاره کرد. نیکویی و وارسته شدن به نیکی‌ها، ارزشی است که این نهاد با زینده شدن بدان رضایت و خشنودی الهی را در پی دارد و این، زمینه ساز بهره‌مندی این نهاد از الطاف الهی از جمله هدایت است: ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ (لقمان: ۳) البته این راه همان صراط مستقیم الهی است که به سبب نیکویی خداوند بدان هدایت می‌کند: ﴿وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ (لقمان: ۲۲). ایجاد دوستی و صمیمیت میان انسان‌ها و همگرایی اجتماعی از دیگر آثار تحقق این بعد از چشم انداز دانشگاه است. خداوند با اشاره به این پیامد اجتماعی نیکویی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴) هرگز نیکی و بدی، یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! در این آیه بیان می‌شود که برای برداشتن

کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دست‌یابی به همگرایی، احسان و نیکوکاری تا چه اندازه می‌تواند مفید و تاثیرگذار باشد!

همچنین از دیگر آثار نیکویی می‌توان به برخوردار شدن از علم و حکمت (قصص: ۱۴؛ یوسف: ۲۲)، جلب رحمت خاص خداوند (اعراف: ۵۶؛ لقمان: ۳) اشاره کرد.

در مقام روشن نمودن مصادیق نیکویی دانشگاه، شایان گفتن است که در آموزه‌های دین مبین اسلام به خصوص قرآن کریم موارد فراوانی از مصادیق نیکویی را می‌توان یافت که البته لازم و ضروری است دانشگاه اسلامی عامل و آراسته به این ارزش شود در ذیل به صورت مختصر به اهم این مصادیق اشاره می‌شود؛

خیرخواهی و اصلاح (توبه: ۹۱)، انجام وظایف و امتثال امر الهی (صافات: ۱۰۵)، اجتناب از فساد و ارتکاب فحشاء (اعراف: ۵۶؛ نجم: ۳۲)، جهاد و تحمل سختی‌ها (توبه: ۱۲۰؛ عنکبوت: ۶۹)، عفو و گذشت از لغزش‌ها (ال عمران: ۱۳۴؛ مائده: ۱۳)، دعوت به توحید و مودت اهل بیت (صافات: ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱؛ شوری: ۲۳)، برخورداری از روحیه سازش و مصالحه (نساء: ۱۲۸).

با تدبّر در آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود که موانع تحقق این شاخص، دو عامل تفاخر و تکبر (نساء: ۳۶) می‌باشد. در نگرش اسلام و قرآن، تکبر و تفاخر به عنوان مهم‌ترین عوامل واگرایی اجتماعی مورد توجه و نظر بوده است و از مردمان خواسته شده است تا از این خصلت‌های پابند. خصلت و ویژگی‌ای که موجب شد تا ابلیس از درگاه ایزد منان رانده شود و بسیاری از انسان‌ها از راه هدایت دور و دچار گمراهی شوند. قرآن به جای تکبر و تفاخر از مردمان می‌خواهد تا منش تواضع را به عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکویی و همگرایی اجتماعی در پیش گیرند (مائده: ۸۳ و ۸۵). فخر فروشی به دیگران و نیز تکبر از اموری است که موجب می‌شود تا دانشگاه و دانشگاهیان نیز خود را از دیگری جدا و برتر دانسته و حاضر به همراهی با جامعه نشود و از این رو گرفتار نوعی واگرایی اجتماعی شده و از اجتماع

دور و از همزیستی و همکاری و مساعدت جامعه دست می‌شویند که در این صورت این نهاد نافع از مسیر متعالی و مطلوب خود منحرف می‌شود و دیگر عنصری نیکو نخواهد بود.

۴. زیبایی

زیبایی در اسلام از اهمیّت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دین اسلام، منشأ و حقیقت زیبایی در عالم هستی را جمال دل‌آرای خداوند می‌داند که همه چیز را به زیور نور جمالش بیاراست ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (نور: ۳۵) خداوند را به زیبایی می‌ستاید و توصیف می‌کند و «جمال» را از نشانه‌های قدرت خدا و از نعمتهای بیکران او، نسبت به بندگان می‌داند آفرینش آسمان و زمین را «زینت» می‌داند ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا...﴾ (کهف: ۷).

با سرلوحه قرار دادن اینکه خداوند، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست دارد آثار نعمتش را بر بندگان ببیند ﴿إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَىٰ عَبْدِهِ﴾^{۳۰} و دیگر اینکه فطرت انسان، طالب زیباخواهی و زیباجویی است، دانشگاه مردم سالار نیز به عنوان نهادی که باید مطابق فطرت الهی و زیبا دوست انسان باشد، لازم است شاخص زیبایی و زیبا شدن را جزء مهمترین اهداف و ارزش‌های خود قرار دهد. چرا که زیبایی روح را شاداب می‌سازد و به انسان نشاط و آرامش می‌بخشد و برای انجام کارهای سنگین زندگی آماده می‌کند. بر این مبنا دانشگاه مردم سالار جامعه ما نه تنها شایسته است که زیبا، بلکه باید آینه‌دار زیبایی در جامعه باشد و آن را برای دیگران به تصویر بکشد. البته چنان که از آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود زیبایی به دو دسته ظاهری (مادی) و باطنی (معنوی) تقسیم می‌شود: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ»،^{۳۱} به تبع در این مبحث نیز وقتی از زیبایی دانشگاه سخن می‌رود در حقیقت منظور زیندگی دانشگاه و دانشگاهیان به هر دو جنبه زیباست؛ چه جنبه باطنی و معنوی و چه جنبه ظاهری و فیزیکی.

در نظر گرفتن این شاخص برای چشم انداز دانشگاه از اهمیّت خاصی برخوردار است و آثار ارزنده‌ای به همراه دارد؛ نخست اینکه تخلیق به زیبایی در واقع تقویّت مبنای الهی بودن و الهی

شدن این نهاد است. چراکه زیبایی، همواره موجد اندیشه و حرکت به سوی منشأ زیبایی است و از این رو در قرآن کریم بارها توصیه شده است از کنار زیبایی‌های خلقت به غفلت عبور نکنید و می‌خواهد که نسبت به نشانه‌های زیبایی و زینت پراکنده در هستی بی تفاوت نباشیم ﴿وَأَنْتُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ﴾ (ق: ۷-۸). و در جای دیگر می‌گوید: زیبایی آسمان را ما به وجود آورده‌ایم (فصلت: ۱۲). و در پایان آیه نیز تصریح می‌کند که این زیبا آفرینی کار خالقی عزیز و یکتاست. لذا زیبایی در هر قالبی موجد تدبیر و مایه بصیرت نسبت به منشا و پدید آورنده این جلوه‌هاست.

دوم اینکه با توجه به اینکه میل به زیبایی‌ها از محورهای اساسی نهاد فطرت آدمی است و حس زیبایی خواهی و زیبایی دوستی از روح الهی بشر سرچشمه می‌گیرد این مهم به خصوص در زیبایی ظاهری محسوس‌تر جلوه می‌کند؛ زیبایی دانشگاه و دانشگاهیان اندوه را از جامعه می‌زداید؛ چرا که زیبایی، شادابی و نشاط می‌آورد و جایی در دل انسان برای غم باقی نمی‌گذارد، لذا از دیدگاه آموزه‌های اسلامی استفاده از لباس‌های تیره، دل را سیاه می‌کند و غم را در انسان حکمفرما می‌سازد؛ حتی لباس اهل آتش معرفی شده است و برخی روایات نیز پوشیدن کفش سیاه را نیز عامل ایجاد غم و غصه معرفی کرده‌اند. ۳۲

سوم اینکه زیبایی رفتار و افعال در دانشگاه، باعث می‌شود عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان تحریک شود و همگان به انجام آنها شوق و رغبت پیدا کنند چراکه این افعال، انسان را از زیبایی‌های ظاهری به زیبایی‌های حقیقی‌تر و باطنی فرا می‌خوانند و لذت و انبساط پدید می‌آورند، که فهم اهمیت روح زیبا را در مقابل ظاهر زیبا برای بشر فراهم می‌سازد و این به نوبه خود باعث می‌شود این نهاد نیز نمودی مطابق و موافق فطرت داشته باشد و نقش به‌سزایی در جلب قلوب خواهد داشت و محبوبیت این نهاد در جامعه را به دنبال دارد. امام صادق علیه السلام به مسعدة بن صدقه فرمود: «شیعه ما کسی است که انجام کارهای نیک را جلو می‌اندازد و از انجام کارهای زشت پرهیز می‌کند. او زیبایی را آشکار می‌سازد و با رغبتی که به رحمت

خدای بزرگ دارد، به سوی کارهای بزرگ می‌شتابد. این چنین شخصی از ماست و [مسیرش] به سوی ماست و [در بهشت نیز] با ماست، هر کجا که باشیم».^{۳۳}

تقویت و تعمق این فرهنگ در دانشگاه، دانشگاهیان و جامعه را از زیبایی‌های ظاهری عبور می‌دهد و به زیبایی‌های حیات معقول رهنمون می‌گرداند و در سیر تکاملی تزیین جامعه به صفت‌های زیبا نقش بسزایی دارد.

نتیجه‌گیری:

از آنچه بیان شد به دست می‌آید که دانشگاه مردم سالار از پنج مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، هویت دینی و کارآمدی برای جامعه، رضایت محوری و توانمندی برخوردار است و حضور و بروز کامل این سه مؤلفه موجب اطلاق صفت مردم سالاری به دانشگاه می‌شود همچنان که عدم وجود آن دال بر مردم سالار نبودن دانشگاه است. البته می‌توان به جز مؤلفه‌های مذکور از مؤلفه دیگری چون استقلال، تهذیب، تعمق و ژرف‌نگری نام برد، لیک این مؤلفه‌ها در چهار مؤلفه مذکور مستتر است. اگر قرار باشد به شکوفایی علمی اندیشیده شود، مرزهای دانش توسعه یابد و نقشی برجسته و ممتاز پیدا شود، باید دانشگاهی با این ویژگی‌ها وجود داشته باشد و الاً تلاش برای رسیدن به دانشگاه و جامعه مردم سالار، ابتر و ناقص می‌ماند. کارکرد درونی دانشگاه نیز هرچه باشد، باید محصول دانشگاه از این چهار مؤلفه، تأثیر یافته باشد. به عبارت دیگر، محصول دانشگاه یا همان فارغ التحصیلان آن، باید افرادی دارای هویت علمی و هویت دینی حقیقی و واقعی، مفید و مهذب باشند. چرا که جریان تعلیم و تربیت در دانشگاه اسلامی به گونه‌ای است که هر فردی در مسیر آن قرار گیرد، متصف به این صفات و متلبس به این لباس می‌گردد.

همچنین پژوهش حاضر، شاخص‌های چشم‌انداز آرمانی و مطلوب دانشگاه مردم سالار را چهار ویژگی ارزشی دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی معرفی کرده است. به این معنا که لازم است

دانشگاه به عنوان نهادی که با نظام فکری خود در بطن جامعه قرار دارد، نقش آفرینش فرهنگ فرزاندگی و دانایی در جامعه را ایفا کند. شاخص توانایی، اقتدار و توانمندی دانشگاه را دستاورد مینا قرار دادن خدامحوری در همه ابعاد و ارکان این نهاد معرفی می‌کند که با فراهم آمدن عوامل دستیابی به توانایی، دانشگاه به نهادی نافع، حافظ حقوق و مظهر توانمندی جامعه مبدل خواهد شد. شاخص نیکویی، دانشگاه را نهادی آراسته به تمام فضائل و خوبی‌ها می‌داند و شاخص زیبایی نیز دانشگاه مطلوب را آینه دار زیبایی می‌داند. از این رو ضروری است برای دستیابی به این جایگاه، دانشگاه هم از لحاظ جنبه ظاهری و هم از لحاظ جنبه باطنی و افعال، متخلّق زیبایی باشد. لذا چشم انداز مطلوب این نهاد در نگاهی عمیق‌تر، دانشگاه مطلوب را هم در بُعد معنا و باطن و هم از لحاظ ظواهر و شعائر و ساختار بیرونی، تجلی‌گر ارزش‌های اسلامی معرفی می‌کند.



پی نوشت‌ها:

۱. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۷۳.
۲. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۷.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵.
۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۱.
۵. مفید، محمد بن نعمان، الامالی، ص ۲۴۷.
۶. فرمایشات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۱۰/۱۳۶۲، ص ۲.

۷. مقام معظم رهبری، کیهان، ۱۳۷۹/۸/۲۸.
۸. نهج البلاغه: نامه ۵۳.
۹. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۲۱۷.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی ۷۹/۹/۱.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۶.
۱۲. صفایی فخری، لیلا؛ بهرنگی، محمد رضا، بهره گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی، ص ۱۴۰.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳.
۱۴. نهج البلاغه: حکمت ۸۱.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، ارشادالقلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۸۳.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۳.
۱۷. نهج البلاغه: خطبه ۳۴.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۵.
۲۰. نهج البلاغه: خطبه ۹۳.
۲۱. راد، سامی، سخنی چند درباره دانشگاهها، ص ۱.
۲۲. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۶، ص ۵۰۵.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.
۲۴. فرمایشات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۲/۲۷.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۲۱.
۲۶. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۶۴.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۵۴.
۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، المواعظ، ص ۷۰.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۳.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵.

۳۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۱، ص ۹۹.
۳۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، صفات الشیعه، ص ۵۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
 ۳. _____، المواعظ، مترجم: عطاردی قوجانی، عزیز الله، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.
 ۴. _____، صفات الشیعه، مترجم: توحیدی، امیر، تهران، زراره، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
 ۶. اسدی، محمد رضا، «دانایی و دینداری و دردمندی»، قیسات، دوره اول، شماره دوم.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
 ۸. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
 ۱۰. خنیفر، حسین؛ موسوی، زینب سادات، «بایسته‌های دانشگاه فرهنگ ساز در هزاره سوم» دانشگاه اسلامی، بهار ۱۳۹۰ - شماره ۴۶.
 ۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، ارشادالقلوب الی الصواب، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
 ۱۲. راد، سامی، «سخنی چند درباره دانشگاهها»، مجله وحید، بهمن ۱۳۴۳ - شماره ۱۴.

۱۳. صفایی فخری، لایلا؛ بهرنگی، محمد رضا، «بهره گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۴۲.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمدقصرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. _____، الامالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مفید، محمد بن نعمان، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. میرزامحمدی، محمد حسن، صحبت لو، علی، اهداف دانشگاه اسلامی، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، بهار ۱۳۸۶ - شماره ۳۳.